

ادامه از صفحه ۶

ایران در گوروش خلاصه نمی شود

✎ حلقه اتصال ابن قلمرو وسیع چه عناصری بود؟

جهان بینی و معرفت ایرانی، زبان فارسی نیز مهم‌ترین کارکرد تاریخی‌اش نمایندگی و حتی آمیختگی با این جهان‌بینی و فرهنگ بوده است.

✎ اگر این عناصر تمدنی باید احیا شوند، پس چرا شامل نام‌هایی مانند خرزها نشود؟

چون از خارج جهان ایرانی و اسلامی هستند، آنان با تمدن ایرانی سر ستیز داشتند و ایرانیان برای مصون ماندن از حملات و شبیخون‌های این قوم دیوار بزرگ دربند را ایجاد کردند. در ضمن احیای آنان نیز به ما مربوط نیست.

✎ چرا در نوشته‌هایتان جمهوری آذربایجان مورد ملامت قرار می‌گیرد؟

هیچ‌گاه جمهوری آذربایجان مورد طعن من نبوده است، بلکه برخی از دولتمردان و فعالان ملی و قومی آنجا مورد شماتت بنده بودند؛ آن هم به این دلیل که گذشته خود را فراموش و آن را در معرض تاراج قرار دادند. آنان اهنگ مهاجرت از یک دنیای فرهنگی و تمدنی به جهانی دیگر را کرده‌اند بدون آنکه هیچ‌کدام از آن دورا بشناسند. در یک کلام، آنان اسیر ایدئولوژی‌های کاذب و خودساخته شده‌اند. این گروه خود را به خواب زده‌اند و دیده‌ایشان را غبارآلود کرده‌اند. این نقطه ظلمی به مادر تمدنی، که در درجه نخست به مردم این جمهوری است.

✎ آقای دکتر، نقش و جایگاه مذهب تشیع و زبان فارسی در حفظ هویت ایرانی چیست؟

به نظر می‌باید بی‌سبب است درباره زبان فارسی توضیح داده‌ام، اما بر خلاف آنان که تشیع را صرفا به یک مشرب فقهی یا مذهبی مانند مذاهب دیگر فرومی‌کشند، معتقدم تشیع یک گفتمان مبتنی‌بر حقیقت انسانی و روحانی نیز هست.

با این نگاه، شیعه محملی برای ظهور و استمرار جهان‌بینی ایرانی شده است. مرادتم تغییر ذات تشیع در ایران نیست، بلکه می‌خواهم به استعداد این مذهب در پذیرش نقاط برجسته تمدن‌های ایرانی اشاره کنم. این واقعیت در نامه امام اول شیعیان به مالک‌اشتر در قالب احترام و تجلیل به سنت‌های خوب ملت‌ها و تمدن‌های دیگر به‌خوبی آمده است. به بیان دیگر، آغوش شیعه در ایران روی معارف، فلسفی، عرفانی و حکمت و سنت فکری متعالیه ایرانیان کاملاً باز بوده است.

✎ به‌تازگی شاهد گسترش نوعی ناسیونالیسم بی‌رومن پادشاهان باستانی مانند کوروش هستیم. آیا این مسئله نوعی بازگشت به باستان‌گرایی احساسی یا نوعی آگاهی ملی است؟

همان‌گونه که عرض کردم، ایران یک مجموعه بر مبنای یک جهان‌بینی مشترک است که البته نظام سیاسی حاکم و برخی از شاهان در این مجموعه بخشی از حلقه‌های آن هستند. همه ایران در کوروش خلاصه نمی‌شود. او در شکل ایده‌آل، نماینده خوبی برای این جهان‌بینی و تمدن بود. تأکید بر بخشی از این جهان تمدنی، غفلت از برخی از وجوه آن - مثبت یا منفی- است، بگذریم از آنکه این حرکت‌ها بعضاً ریشه در برخی واکنش‌ها در برابر مسائل منطقه‌ای و خوشایندها و بدآیندهای سیاسی دارد؛ ازاین‌رو، من حتی نام آن را باستان‌گرایی نمی‌نهم وازه یک نوع احساس «نوستالژی مهم»، بیان درست‌تری برای آن است.

✎ آیا می‌توان از آن به عنوان نوعی پارس‌گرایی یاد کرد؟

اگر این‌گونه باشد نیز خطرناک است. همان‌گونه که بارها گفتم، «پارس‌گرایی» و واژه‌هایی از این سنخ به جای مدیدن بر روح ملی در جهت تضعیف پایه‌های تمدنی عمل می‌کنند. تقلیل ایران به یک قومی که اصولا وجود خارجی ندارد، امری ناهمگانه و توجیه‌کننده ایدئولوژی‌های کاذب مانند پان‌ترکیسم و... است، آن وقت به‌خوبی می‌توانید تصور کنید ایران منسجم بین گروه‌های گوناگون تک‌تکه شده است که ان‌شاءالله چنین نخواهد شد.

✎ شنیده‌ام حکایت دارد تعدادی از نمایندگان قسد دارند فرانسیون ترک را از مجلس شورای اسلامی شکل دهند. آیا این مسئله نیز نوعی تقابل یا مواجهه با هویت‌های دیگر است؟

ابتدا این نکته را متذکر شوم که این‌ گروه از نمایندگان محترم با نیت خیر و البته بدون آنکه عمدی داشته باشند، این فرانسیون را تأسیس کرده‌اند، اما به نظر این کار تیغ دولبه است و می‌تواند ابزار دشمنان در نیل به واگرایی‌های ملی و انسجام اجتماعی شود. بدخواهان ایران و انقلاب به دنبال تعمیق شکاف‌های قومی در ایران هستند، فرض کنید همین عمل را مارتی‌ها، عرب‌ربانان، کرد‌ها، بلوچ‌ها، لر‌ها و یبختیاری‌ها و... انجام دهند؛ این وقت چه می‌شود. قرار است چه اتفاقی در این موضوع عاید ملت ایران شود. درعین‌حال، تأکید می‌کنم با شناختی که از برخی از نمایندگان ترک‌زبان دارم، هرگز ظن و گمان بد نسبت به انگیزه خوب آنان نمی‌برم، ولی متأسفانه نتیجه کارهایمان همیشه با نیت خویمان همراه نخواهد بود.

✎ سخن آخر.

اینکه، دریغ است ایران جو ویران شود کنام پلنگان و شیران شود امید دارم همگی ما قدر میراث ارزشمندی را که گذشتگان با خون دل بر جای گذاشته‌اند، بدانیم. ✎ آری‌اینکه وقت‌تان را در اختیار ما قرار دادید، سپاسگزارم.

تدوین منشور حقوق شهروندی

از جمله وعده‌های رئیس‌جمهوری در آستانه انتخابات ۹۲ بود که حالا در آستانه انتخابات ۹۶ از آن رونمایی شده است. حسن روحانی در حالی برای تحقق این شعار انتخاباتی، همایش بزرگی برپا کرده بود که از فردای همان روز، روزنامه‌های مخالف‌خوان از جمله کیهان انتقادات خود را آغاز کردند؛ مثلاً کیهان در تیتُر نخست خود با اشاره به رونمایی از منشور حقوق شهروندی از سوی رئیس‌جمهوری نوشت: «بساط نجومی‌ها و نورچشمی‌ها را جمع کنید، حقوق شهروندی رعایت می‌شود.» تنها چند روز بعد از

آن آیت‌الله محمد یزدی، رئیس اسبق قوه قضائیه و رئیس کنونی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، زبان به نقد از منشور کشود، آن‌هم در شرایطی که دست‌کم از سال ۸۳ به این‌سو، بخش‌نامه حقوق شهروندی شامل ۱۵ بند به تصویب رسید و به مسئولان قضائی و انتظامی ابلاغ شد و در قوه قضائیه همیرخانه‌ای باعنوان «نظارت بر حفظ حقوق شهروندی» وجود دارد. یزدی از اینکه روحانی این منشور را به مردم واگذار کرده و نه به دولت و نه به مجلس رای تصویب ارائه نکرده انتقاد کرده و گفته متأسفانه قیدوبنده برداشته شده است، اما آیا همین واگذاری بدون تصویب می‌تواند ضمانت اجرایی منشور باشد؟ این هم نکته‌ای است که موافقان منشور در روزهای گذشته بسیار به آن توجه کرده‌اند.

درهمین‌باره با غلامرضا انصاری، قائممقام حزب اتحاد ملت و عضو شورای شهر تهران، گفت‌وگوی کوتاهی را انجام داده‌ایم که در پی می‌آید.

✎ بعد از انتشار منشور حقوق شهروندی، بعضی افراد و گروه‌ها و البته رسانه‌های منسوب به آنها این کار حسن روحانی را ژست تبلیغاتی در آستانه انتخابات ارزیابی کردند. با توجه به فحواي منشور، آیا واقعا این کار جنبه انتخاباتی دارد؟ یا اینکه می‌تواند منشا اثر قرار بگیرد؟

منشور حقوق شهروندی، گمشده صدساله اخیر تاریخ سیاسی ایران است. اگر از آغاز مشروطه به این‌سو را در نظر بگیریم، اکثر اصلاح‌طلبان، انقلابیون، روشنفکران و تحول‌خواهان به دنبال این بودند ارزش و کرامت انسانی را در شرایطی محقق کنند که معمولا این خواست آنها در تضاد با قدرت بوده است، اما این گروه سعی داشتند این خواسته را در بستر و از مسیر تحولات اجتماعی و سیاسی جامعه دنبال کنند.

اگر نگاهی به شعر شعرا و ادبیات داشته باشیم یا در آثار مکتوب، ترجمه‌ها و تالیفات آن در صد سال گذشته انجام شده، غوری کنیم، متوجه می‌شویم صاحبان این آثار به دنبال این بودند که منزلت انسانی را پاس بدارند. به اعتقاد من، از مجموع این آثار به‌جامانده، می‌توان به‌مثابه حقوق شهروندی نام برد. در حقوق شهروندی وقتی بحث حق مطرح می‌شود، مثل حق کرامت و برابری انسانی، حق آزادی و امنیت شهروندی، حق حیات، سلامت و کیفیت زندگی، حق مشارکت در تعیین سرنوشت، حق اداره شایسته و حسن‌تدبیر در اجرای امور، حق آزادی اندیشه و بیان، حق دسترسی به اطلاعات و فضای مجازی، حق حریم خصوصی، حق ایجاد تشکل، برگزاری تجمع و راهپیمایی، حق تابعیت و اقامت، حق آزادی رفت‌وآمد، حق تشکیل و برخورداری از خانواده و حقوق خانواده، حق برخورداری از دادخواهی عادلانه و قضاوت منصفانه، حق اقتصاد شفاف و رقابتی، حق مسکن، حق مالکیت، حق اشتغال و کار شایسته، حق رفاه و تأمین اجتماعی، حق دسترسی و مشارکت فرهنگی، حق آموزش و پژوهش، حق محیط‌زیست سالم و توسعه پایدار، حق صلح، امنیت و اقتدار ملی و ده‌ها و...؛ درواقع همگی آرزو و خواست یک ملت «آزاد» است. شما نمی‌توانید هیچ انسانی را در کره زمین پیدا کنید که به این حقوق بی‌تفاوت باشد.

✎ مواردی که شما اشاره کردید، تقریباً در قانون اساسی مورد اشاره قرار گرفته است...

بله. اگر نگاهی به قانون اساسی داشته باشیم، متوجه می‌شویم که یکی از اساسی‌ترین، مدرن‌ترین و مترقی‌ترین قوانین اساسی موجود، قانون اساسی کشور ماست که به حقوق اساسی مردم توجه کرده و در حقیقت همه این موارد در قانون اساسی مستتر است.

البته عملیاتی‌شدن آنچه در قانون آمده و الزاماتی که امروز ضرورت پردازش به آن احساس می‌شود؛ مثل حق دسترسی به شبکه‌های اجتماعی و اینترنت و تضمین اجرایی‌شدن این موارد، امنیت فکری و آرامش روحی-روانی جامعه را به دنبال خواهد داشت. اما درعین‌حال می‌دانیم که تمام مردم به حقوق خود آشنایی ندارند و تا زمانی که آن را مطالعه نکنند یا دراین‌باره آموزش نبینند و

سیاست



توصیه انصاری برای همگانی‌شدن منشور حقوق شهروندی:

تکرار کنیم تا باور شود

مرجان توحیدی

و رسانه‌ها به‌عنوان یک بسترساز اجتماعی، این رسالت انسانی را که به‌صورت جدی به این موضوع ورود پیدا کنند، بر دوش خود احساس کنند، همین تکرار می‌تواند راهگشا باشد.

همان‌طور که در نمازهای روزانه آیات قرآنی را تکرار می‌کنیم و این تکرار باعث می‌شود به جد در خود احساس کنیم در مقابل همه کژی‌ها، چه کژی‌ها و کاستی‌های فردی و چه کژی‌های اجتماعی، باید از خداوند و نیروی الهی کمک بجوییم. تکرار منشور هم این احساس را در ما ایجاد خواهد کرد در برابر خود، خانواده و جامعه احساس مسئولیت کرده و درصدد اصلاح کژی‌ها و ناراستی‌ها برآییم تا بتوانیم بستر اجتماعی را سلامت نگه داریم.

این یک اصل اساسی جامعه‌شناسی است که باید در ابتدا حق را همراه با شجاعت و جسارت شناخت و در مرحله بعد، برای تحقق آن از راه‌های مدنی و قانونی اقدام کرد؛ بنابراین همه با هر سلیقه و ایده‌ای، برای احقاق حق مدنی و حقوق اساسی خود، تلاش کنیم تا مردم باور کنند اگر قرار است مشکل معیشتی و مسائل اقتصادی حل شود، اگر قرار است امنیت اجتماعی‌مان برقرار شده و به سرمایه‌ها توجه شود، باید در مرحله اول حق خود را بشناسند. در مرحله بعد، باید باور کنند در چارچوب قانون و در چارچوب ارزش‌های مستترشده در قانون اساسی، حرکت کنند تا بتوانند آینده خوبی را برای خود، فرزندان و آیندگان رقم زنند.

✎ **بیشترین نقدی که به منشور وارد شده، این است که ضمانت اجرایی لازم را ندارد. براین‌اساس، آیا صرف انتشار آن، می‌تواند قید، الزام و اجبار را ایجاد کند که حاکمیت، خود را درقبال حقوق شهروندی متعهد بدانند؟ چون آنچه مطرح‌شده، این است که به‌مرحال شهروندان**

به‌صورت جسته‌وگریخته تاحدودی به حقوق خود آشنایی دارند؛ اما حاکمیت‌قدر به استیفای این حقوق احساس وظیفه و تعهد می‌کند؟

من در بخش اول اشاره کردم؛ این منشور، مانیفست دولت و استراتژی شعارهای رئیس‌جمهور است. حداقل، دستگاه‌های اجرایی زیرمجموعه دولت هستند و بودجه خود را از دولت می‌گیرند، اگر بخشدارها، فرماندارها، استاندارها، وزارت کشور، وزارت خارجه، وزارت دادگستری، وزارت فرهنگ و ارشاد، وزارت علوم، وزارت بهداشت و سازمان‌های اساسی و استراتژیکی مانند تأمین اجتماعی، هلال احمر و بهزیستی که شمولیت عام دارند، دستگاه‌های اقتصادی، دستگاه‌های مالی مانند وزارت اقتصاد و بانک‌ها و... خود را به این منشور ملزم بدانند، ببینیم ما روزانه چقدر تولید پیام و مطلب داریم!

می‌توانیم مردم را به حقوق خود آگاه کنیم تا متوجه شوند اولین شخص اجرائی کشور، به این حقوق ایمان دارد و خواستار اجرایی‌شدن آن است؛ همین، یک گام بزرگ است.

اما درباره عملیاتی‌شدن آن هم، تأکید کردم «تکرار» باعث «باور» می‌شود. به‌نظر من کاری که دولت باید انجام دهد، این است که کمیت‌ها را مأمور پیگیری این موضوع قرار دهد تا روشن شود در هیأت دولت و کمیسیون‌های مربوط به آن، در وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها و مؤسسات دولتی چه اندازه به این اصول پایبندی وجود دارد. اگر این ممارست، پیگیری و نظارت انجام شود و ما بتوانیم تکریم شخصیت شهروندان را در قالب خدماتی می‌کنم آن‌چه منتشر شده، جمعیت خوبی دارد و درصورتی‌که ما به عنوان یک کشنگر سیاسی

مردم به‌طور روزانه و مرتب، با دستگاه‌های دولتی و خدماتی سروکار دارند. دولت باید این موضوع را پایش کند؛ یعنی برای دستگاه‌هایی که مردم به آنها رجوع مستقیم دارند و در راستای منشور حقوق شهروندی کام برداشته‌اند، بسته تشویقی در نظر گرفته و برای دستگاه‌های خاطی هم مواردی را برای تذکر در نظر بگیریم. همچنین می‌توان همایش‌هایی برگزار کرد تا در آن کسانی را که درست عمل کرده‌اند، به مردم معرفی کرد و همین مسئله، به خودی خود می‌تواند تبدیل به خواست همگانی شود و وقتی خواست همگانی شد، قطعاً

بخش درخور توجهی از نهاده‌ا و دستگاه‌ها مجبور و مکلف به رعایت این منشور خواهند شد.

یعنی وقتی من به حقوق خود و به قانون آگاه باشم و بتوانم این حق را استیفای کنم؛ در جایی که این حق درست استیفای نشود، می‌توانم در رابطه با استیفای حق خود وارد عمل شوم. یعنی باید این باور را در کلیت جامعه به‌وجود آورد خدماتی که امروز دولت به‌عنوان خدمتگزار برای مردم انجام می‌دهد، وظیفه‌ای است که بر دوش مسئولان گذاشته شده و مسئولان در سطوح مختلف با افتخار این خدمت را به مردم ارائه دهند.

بگذارید یک مثال بزنم؛ هیچ‌وقت مسا در دین اسلام به‌عنوان مترقی‌ترین و کامل‌ترین دین، اجبار نداریم؛ در زمان پیامبر گرامی اسلام، زنی غیرمسلمان به نام ساره که کارش رقص و آواز برای جوانان بود، به ایشان مراجعه کرد و از پیامبر کمک خواست. پیامبر به ایشان گفت شما که مشغول رقص و آواز بودید، چه شده که امروز سرر از اینجا درآوردید؟ این‌ها حالا دیگر توجهی به من ندارند و من گرفتارم و مشکل دارم.

پیامبر به اهل‌بیتش دستور می‌دهد به ایشان کمک کنند. یا در جای دیگر، همان قصه معروفی که درباره خلخال از زن یهودی و حضرت علی(ع) وجود دارد؛ همه نشان‌دهنده این است که رفتار ما با بی‌وفتاری انسانی و مدنی باشد. اگر این مسائل را رعایت کردیم، می‌توانیم ادعا کنیم اسلامی عمل کرده‌ایم و اگر خلاف آن عمل کردیم، قطعاً، هم در این دنیا مورد مذمت قرار خواهیم گرفت و هم عاقبت خوبی در آخرت نخواهیم داشت. این شناخت، یعنی شناخت حق، استیفای حق و درخواست حق، بنابراین اگر به‌صورت جدی تلاش کنیم در تریبون‌های رسمی و در منابر دینی و در رسانه‌ها تک‌تک این موارد را بازگو کنیم؛ یعنی حقوق شهروندی را در حوزه‌های مختلف اعم از اجتماعی، فرهنگی، مدنی، اقتصادی و سیاسی از سوی اهل

فن دسته‌بندی و بیان کنیم، به یقین آیند و روشنی پیش‌رو خواهیم داشت. حتی به اعتقاد من این موارد را می‌توان در کتب درسی به رشته تحریر درآورد و به دانش‌آموزان و دانشجویان آموزش داد. چه اشکالی دارد که دانش‌آموزان در این وقت صرف شده است؛ ما به جای اینکه با یک سری ادبیات مصرفی تربیت شوند، با یک سری اصول اساسی این‌گونه آموزش ببینند و بر این اساس، رفتاردرمانی و گفتاردرمانی

کنیم و در مسائل پیچیده هم به‌صورت جدی و با اعتقاد راسخ این موارد را گسترش دهیم.

✎ **چون منشور از سوی دولت منتشر شده، احتمالاً این الزام برای دستگاه‌های زیرمجموعه**

دولت ایجاد می‌شود که خود را متعهد به اجرای آن بدانند. ولی در رابطه با حقوقی که مردم در برابر سایر اقوا دارند مثل حقوق مردم نسبت به قوه قضائیه و دستگاه‌های مرتبط با آن یا حقوق مردم نسبت به موکلان خود در مجلس یا شوراهای شهر و روستا، این منشور تا چه اندازه در برابر اینس حقوق می‌تواند تعهد و پایبندی ایجاد کند؟ آیا اساساً برای آن قوا و نیروهای آنها الزام‌آور خواهد بود؟

وقتی یک اصل به رفتار روزمره و باور تبدیل شود، خودبه‌خود آن را انجام می‌دهیم. مثلاً در دوره دولت آقای هاشمی زمانی که وزیر کشور وقت، بحث اجبار بستن کمربند را مطرح کرد، خیلی‌ها می‌خندیدند و اگر در شهر می‌دیدید یک نفر کمربند بسته، شاید با تمسخر به آن نگاه می‌کردید! ولی امروز این موضوع تا حدی رشد کرده و به جایی رسیده که اگر شما در رانندگی کمربند نبندید، فرزند کوچکی هم که کنار شما نشسته باشد، اعتراض می‌کند که چرا کمربند را نبستی! این اتفاق به چه دلیل رخ می‌دهد، به این دلیل که تبدیل به رفتار اجتماعی شده است. وقتی یک کار به رفتار روزمره تبدیل شد، بقیه هم از آن تبعیت می‌کنند؛ یعنی زمانی که در یک مجموعه صدنفری، ۸۰ نفر یک اصل ارزشی را عملی کنند و انجام دهند، خودبه‌خود آن ۲۰ درصدی که مخالف هستند هم بد می‌دانند خلاف آن ارزش حرکتی انجام دهند و به مرور همین نقید جزء رفتار و کردار طبیعی افراد می‌شود.

روزنه

ریشه فکری مخالفان و موافقان منشور حقوق شهروندی

● **شرق:** خاستگاه فکری- سیاسی موافقان و مخالفان حقوق شهروندی کجاست؟ پرتال حقوقی- خبری «داتیکان» در گزارشی به بررسی ریشه‌های این موافقت‌ها و مخالفت‌ها پرداخته است. در این گزارش آمده است: صدور منشور حقوق شهروندی، از جمله وقایع خبرساز روزشمار دولت تدبیر و امید است. گرچه در ابتدا و در آستانه ارائه پیش‌نویس اولیه این منشور، گمانه‌زنی‌های سیاسی و موضع‌گیری‌های جناحی خیلی محلی از اعراب نداشت و بررسی آن بیشتر در سطوح دانشگاهی قابل رصد بود؛ اما، در آستانه به‌اتمام‌رسیدن کار دولت، صدور منشور حقوق شهروندی از سوی روحانی به صحنه کارزار بیانات موافق و مخالف جناح‌ها و شخصیت‌های سیاسی مبدل گشته است.

از یک سو، نیروهای راست سنتی قرار دارند که ملاحظات و نگرانی‌هایی را در باب ناسازگاری منشور حقوق شهروندی با مبانی اسلامی نظام جمهوری اسلامی ایران مطرح کرده‌اند. همچنین، سازگاری منشور حقوق شهروندی با اصل چهار قانون اساسی (اسلامی‌بودن کلیه قوانین و مقررات) نیز یکی دیگر از نگرانی‌های گروه مذکور است. آیت‌الله یزدی رئیس جامعه مدرسین حوروه علمیه قم در بیاناتی ابراز کرد: «در جلسه شورای نگهبان نیز تأکید کردم که اگر این منشور، لایحه است، باید به مجلس برود و آن‌گاه در شورای نگهبان بررسی شود و اگر مصوبه دولت است، باید طبق قانون به رئیس مجلس بدهند تا بررسی شود که مفاد آن برخلاف قانون اساسی نباشد». همچنین، نیروهای راست سنتی، مسئله را به تجربه مدیریت و سیاسی دولت تدبیر و امید مرتبط نموده و معتقدند که عملکرد دولت طی این سه سال، حاکی از نقض اصول ادعایی خود در منشور حقوق شهروندی است. محمدحسن قدیری‌ایانه، کارشناس عالی امور استراتژیک و مدیر اسبق حقوق شهروندی در استرالیا و مکزیک، ابراز می‌کند که: «بیت‌المال متعلق به همه مردم است و ملت حق دارند بدانند مسئولان چقدر برداشت می‌کنند و براساس منشور حقوق شهروندی، حق شهروندان است که به‌صورت برابر و با شفافیت کامل از اطلاعات اقتصادی مطلع شوند. ولی وقتی مسئله حقوق‌های نجومی مطرح شد، شاهد برخورد جدی از سوی دولت با متخلفان نبوده‌ایم. شفافیت حقوق دولتمردان و مبارزه با فساد جزء حقوق مسلم شهروندان است که در منشور رئیس‌جمهور اشاره‌ای به این موضوع نشده است». امام‌جمعه الگوزدر در تریبون نماز جمعه اعلام کرده است: «رئیس‌جمهور در سه سال گذشته ۴۹ بار به منتقدان توهین کرده و اولین و بزرگ‌ترین ناقض حقوق شهروندی است».

مجتبی ذوالنور نماینده قم در مجلس شورای اسلامی در نمازجمعه تهران هم اعلام کرد: «خاص‌کسوراه ارتباط مردم با رهبری هستند و بزرگ‌راه‌های این ارتباط باورهای دینی مردم است. پس اگر خواص نقش خود را به‌خوبی ایفا نکنند، مردم منتظر آنها نمی‌مانند و اگر این نگاه را ادامه دهیم، فتنه‌گران هیچ‌وقت موفق نخواهند شد».

درواقع، این جریان معتقد است روابط میان مردم و رهبری نسبتی قدسی و مذهبی است؛ این در حالی است که نسبت میان مردم و رئیس‌جمهور از جنس شهروندی است. آیت‌الله محمدتقی مصباح‌یزدی هم بر آن است که: «حقوق بشر و حقوق شهروندی به معنایی که در غرب تعریف شده، یا روح اسلام و قانون اساسی و حرکت امام (ره)، کاملاً مخالف است... اسلام، هرگز یک یهودی و مسلمان را مساوی نمی‌داند، هرچند حقوقی را برای یهودی هم در نظر می‌گیرد، اما این به معنای تساوی آنها در همه حقوق نیست. گاه عده‌ای نام شهروند درجه دوم بر آن می‌گذارند. هر اسمی می‌خواهند بگذارند، اما این واقعیت را تغییر نمی‌دهد». درواقع، از نظر ایشان بنیاد حقوق شهروندی با مبانی اسلام سازگار است. حقوق شهروندی غربی است و با مشی امام خمینی (ره) و قانون اساسی مابینت دارد. عدم برابری معتقدان به دیگر ادیان و فرق با مسلمانان به لحاظ حقوقی نیز، از نظر مبنایی با اصل برابری که یکی از مبانی حقوق بشر و حقوق شهروندی مدرن است، تناقض دارد.

اما در مقابل جناح راست، عناصر منسوب به جناح چپ نیز به لحاظ نظری و استراتژیک، صدور منشور حقوق شهروندی را مورد توجه قرار داده‌اند. در میان جناح چپ، دو گرایش عمده قابل شناسایی است؛ گرایش‌های چپ سنتی و مسئولان حقوق شهروندی یا مبنای اسلام‌سازگار است. سبب تبدیل به رفتار روزمره تغییر شد، بقیه هم از آن تبعیت می‌کنند؛ یعنی زمانی که در یک مجموعه صدنفری، ۸۰ نفر یک اصل ارزشی را عملی کنند و انجام دهند، خودبه‌خود آن ۲۰ درصدی که مخالف هستند هم بد می‌دانند خلاف آن ارزش حرکتی انجام دهند و به مرور همین نقید جزء رفتار و کردار طبیعی افراد می‌شود.

ادامه در صفحه ۱۹